

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هجدهم
شماره ۲۰۹ مرداد ماه ۱۳۹۶ - اوت ۲۰۱۷

انقلاب کبیر اکتبر و تاثیر عمیق آن بر سرنوشت سیاسی ایران

جنبش دموکراتیک و کمونیستی ایران همواره در تحت تاثیر مبارزات سوسیال دموکراتها در روسیه تزاری قرار داشته است. ایجاد هسته‌های سوسیال دموکرات در ایران، در تحت تاثیر نفوذ ایرانیان مقیم باکو در آذربایجان روسیه تزاری، به وجود آمد. آنها در عین همکاری با سوسیال دموکراتهای روس و ارسال نشریه "ایسکرا" از طریق ایران به روسیه، از فعالیتهای سیاسی و تئوریک آنها استفاده می‌کردند. وقتی انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه شکست خورد، انقلاب ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ مشروطیت با شرکت هسته‌های سوسیال دموکرات در ایران آغاز شد و به محدودیت اختیارات پادشاهان دوران قاجاریه در ایران منجر گردید. برای نخستین بار در ایران مجلس تاسیس شد و انتخابات مردمی صورت گرفت. مبارزات مردم ایران نه تنها در تحت تاثیر مبارزات سوسیال دموکراتهای روسیه در قبل از انقلاب اکتبر قرار داشت، بلکه بعد از انقلاب اکتبر نیز تحولات عمیقی در جامعه ایران تحت تاثیر رویدادهای روسیه صورت گرفت.

در ماه مه ۱۹۱۷ بعد از انقلاب فوریه در روسیه، حزب سوسیال دموکرات ایرانیان به نام «عدالت» رسماً شروع به کار کرد. این حزب از گروههای سوسیال دموکرات ایرانیان به وجود آمد که بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ نام خود را در ژوئن سال ۱۹۲۰ به حزب کمونیست ایران تغییر داد و کنگره نخست خویش را در بندرانزلی در استان گیلان برگزار کرد. حیدرعمواغلی از رهبران جنبش مشروطه ایران در تاسیس حزب کمونیست ایران نقش داشت و به عنوان اولین دبیر کل حزب انتخاب شد. تاریخچه حزب کمونیست ایران از تاریخ جنبش ملی و ضد امپریالیستی مردم ایران معاصر جدا نیست.

با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر و تاسیس حزب کمونیست ایران تحولات مهمی در ایران صورت گرفت. اتحادیه‌های کارگری تحت تاثیر فعالیت سوسیال دموکراتهای روس و بعداً کمونیستها شوروی و فعالیت حزب کمونیست ایران برای نخستین بار در ایران پدید آمدند و کارگران به حقوق خویش پی‌بردند. از رویداد انقلاب کبیر اکتبر هم امپریالیسم استعمارگر بریتانیا به شدت در ایران ضربه خورد و هم ارتجاع داخلی ایران که همدست این امپریالیسم بود بشدت تضعیف گشت.

خوب است به وضعیت ایران قبل از این تحولات جهانی در آن دوران نظری بیفکنیم تا تاثیرات عظیم این انقلاب را در سرنوشت مردم ایران بهتر درک کنیم.

پیمان استعماری سن پترزبورگ (Sankt Petersburg)

سرزمین ایران در قبل از جنگ جهانی اول میدان رقابت دو امپریالیسم بزرگ در آغاز قرن بیستم میلادی بود. روسیه تزاری با ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک در شمال ایران بزرگترین همسایه ایران محسوب می‌شد. در جنوب ایران امپریالیسم بریتانیا که در عراق و هندوستان دو مستعمره مهم خویش را برپا کرده بود، از نفوذ و رخنه‌گری امپریالیسم روسیه به ایران واهمه داشت و برای حفظ مستعمره بزرگ خویش هندوستان که در شرق ایران بود(در آن زمان هنوز کشوری به نام پاکستان وجود نداشت-توفان) تلاش می‌کرد که ایران را نیز به مستعمره خویش بدل کند تا موفق شود منافع فراوان خویش در هندوستان را تضمین کند. در همان دوران نیز امپریالیسم آلمان به یاری دولت عثمانی در پی آن بود که قطار ترکیه-بغداد-حجاز را ساخته و راه نفوذ خویش به خلیج فارس و منطقه نفوذ بریتانیا را بگشاید. این امر نیز خطری برای منافع استعماری امپریالیسم بریتانیا در منطقه محسوب می‌شد. به این جهت امپریالیسم بریتانیا در جهت حفظ منافع استعماری خویش در آسیا، بر سر مستعمره کردن مشترک ایران با امپریالیسم روس به توافق رسید. نزاع بر سر تقسیم ایران میان دو امپریالیسم روس و بریتانیا منجر به انعقاد قرارداد سن پترزبورگ در سال ۱۲۸۵ شمسی(برابر ۱۹۰۷ میلادی) میان این دو کشور گردید. به موجب این قرارداد استعماری، کشور ایران میان روسها و بریتانیایی‌ها به دو منطقه شمال و جنوب تقسیم گردید و در میان آنها یک منطقه میانی بوجود آمد که به عنوان منطقه بی طرف باقی ماند تا خطر برخورد میان دو امپریالیسم را به حداقل تنزل دهد. این منطقه میانی نیز در سال ۱۹۱۵ بین دو امپریالیسم تقسیم شد.

این قرارداد که ۵ بند داشت بدون آگاهی یا مشارکت ... ادامه در صفحه ۴

شکست مفتضحانه نشست سران ۲۰ کشور در آلمان و مبارزه ستایش‌آمیز و انقلابی مردم آلمان علیه این تروریست‌های بین‌المللی

در اوایل ماه ژوئیه ۲۰۱۷ سران ۲۰ کشور صنعتی جهان و کشورهای در حال رشد(نوظهور اقتصادی و یا در آستانه رشد مشهور به "آستانه‌ای"-توفان) که ۸۵ درصد تولید ناخالص و دو سوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند در شهر هامبورگ در آلمان فدرال گرد آمدند تا از جمله در مورد محیط زیست، موافقتنامه‌های تجاری جهانی، مبارزه با تروریسم، بررسی مسئله سوریه و... مشورت کرده و به توافقاتی دست یابند.

شرکت ممالکی نظیر ترکیه، اندونزی، عربستان سعودی و نظایر آنها در کنار آمریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، کانادا، چین و روسیه بیشتر حکم آن دارد که قدرتمندترین ممالک امپریالیستی جهان، پای سایر ممالکی را که نه در سیاستهای راهبردی و نه در اقتصاد جهانی نقش مهمی بازی می‌کنند به این دیدار کشانده‌اند تا از طریق این کشورها روپوشی بر پنهانکاری اعمال خودشان در پشت پرده، خلق کرده باشند. این کشورها به زبان مصطلح همان نقش "نخودی" را دارند. وگرنه این یک واقعیت همه دانسته است که عربستان سعودی کشوری از هر نظر عقب‌مانده بوده و تنها تامین‌کننده سوخت ممالک صنعتی است. بود و نبود این کشور به اظهار لطف امپریالیسم آمریکا وابسته است. این کشور حتی قادر نیست از این وظیفه‌ای که به عهده‌اش گذارده‌اند سر باز زند، زیرا در آن صورت در عرض ... ادامه در صفحه ۳

به حزب کار ایران(توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید



۱۰۰ سالگی انقلاب کبیر اکتبر این ناقوس مرگ دنیای سرمایه‌داری و تولد دنیای نوین را جشن بگیریم

شکست مفتضحانه سران...

مدت کوتاهی توسط قوای نظامی امپریالیسم آمریکا اشغال شده و نفتش به نفع آمریکا در خدمت "تمدن" به تاراج می‌رود. ترکیه اساسا کشور صنعتی به مفهومی که قادر باشد استقلال اقتصادی خویش را تامین کند نیست. تمام صنایع ترکیه صنایع وابسته به صنایع مادر ممالک امپریالیستی است. شرکت هندوستان و چین در این مجمع این خاصیت را دارد که به افزایش تعداد جمعیت این کشورها مهر تأیید اکثریت "دموکراتیک" دو سوم مردم جهان را بزنند. از کی تا به حال امپریالیستها هوادار اکثریت دموکراتیک بوده‌اند؟ هنوز مدتی نیست که جزیره فرمز را نماینده مردم چین جا می‌زدند.

یکی از برنامه‌های این جمع که با وقاحت و به تدریج خود را ارباب جهان جا می‌زند و جای سازمان ملل را می‌گیرد و برای سرنوشت مردم جهان برنامه و وظایف تعیین می‌کند و موافقتنامه‌های خویش را به کشورهای جهان با زور تحمیل می‌نماید، ظاهرا مبارزه با تروریسم است. ولی هنوز رسماً روشن نکرده‌اند که تعریفشان از تروریسم چیست و چه کسی در جهان تروریست است. دول ناتو با نقض منشور ملل متحد، به پرورش داعش پرداختند، تا دولت قانونی بشار اسد در سوریه را سرنگون سازند. عربستان سعودی، قطر و ترکیه هم از نظر مالی و هم از نظر تدارکاتی با کمک ناتو به این تروریسم وحشی که حالا دامنگیر خودشان نیز شده است، یاری رسانده‌اند. اگر قرار باشد با تروریسم مبارزه شود، باید در درجه نخست سران همین ممالک گروه ۷ و متحدان آنان افشاء و مجازات شوند. اسرائیل به عنوان یک کشور تروریستی و اشغالگر سالهاست به ترور مردم فلسطین اشتغال دارد، ولی این مدعیان مبارزه با تروریسم در این مورد سکوت اختیار کرده‌اند. تعریف آنها از تروریسم به منافع سیاسی آنها وابسته است به این جهت نیز در قاموس آنها ما همواره با مفاهیم "تروریسم بد" و "تروریسم خوب" روبرو هستیم.

این عده در جمع خود مدعی‌اند که می‌خواهند با آلودگی محیط زیست مبارزه کنند، پرسش ولی این است: چه کسی محیط زیست را آلوده کرده و می‌کند؟ یمن؟ ساحل عاج؟ زامبیا؟ مصر؟ و یا همان هفت کشور بزرگ صنعتی که به پاس این آلودگی وحشیانه محیط زیست و به ضرر سلامتی همه مردم جهان، صنعتی شده و حالا از سایر ممالک جهان می‌طلبند که در جهت صنعتی شدن خود گام بردارند، زیرا این اقدام آنها گویا بیکباره محیط زیست را آلوده می‌کند و به ضرر انسانهاست؟؟؟؟ مگر شرکت‌های اتومبیل‌سازی آلمان با آگاهی کامل دولت آلمان در آمار مربوط به درجه آلودگی محیط زیست و تولید گازهای سمی توسط صنایع اتومبیل‌سازی آلمان دست نبرده‌اند؟ و در این ماجرا قربانی افشاءگری و مجازات رقیب آمریکائی خود نشده‌اند؟ پس چرا تبلیغات رسانه‌های جهان، این ممالک و به‌ویژه آلمان را به عنوان پیشاهنگ مبارزه با آلودگی محیط زیست جا می‌زنند؟ این همه جادوگری و افسانه سرائی برای سحر کردن مردم است تا به این وسیله صنایع بزرگ تولیدات محیط زیستی خویش را تقویت نموده و میلیاردها دلار ثروت به جیب سرمایه‌داران

توفان در توئیتر
Toufanhezbkar
حزب کار ایران (توفان)
در فیس بوک

Toufan HezbKar
facebook

Name:
Toufan HezbKar
Email:
toufan@toufan.org
Status:
None

خودی بریزند. نزاع این بزرگان بر سر برطرف کردن آلودگی نیست، بر سر این است که چرا صفحات خورشیدی (سولار مُدول- توفان) چینی ارزانتر از صفحات خورشیدی آمریکائی و آلمانی است و در اثر این رقابت، شرکت‌های ممالک نامبرده اخیر ورشکسته می‌شوند. این است که ناچارند در توافقنامه‌های تجاری به اعمال نفوذ دست زده قول و قرارهای قبلی را زیر پا بگذارند. راستی امپریالیستها چه موقع به قول و قرارهای خویش اساسا پایبند بوده‌اند؟

ممالک امپریالیستی هرگز علاقه‌ای به حفظ محیط زیست ندارند، اقتصاد و سیاست آنها بر اساس کسب سودحداکثر می‌چرخد و در قمار مذاکرات نشست ۲۰ کشور، آنها در پی آن هستند که بر سر غارت جهان و فریب مردم به توافق برسند. آمریکا که در زمینه تکمیل صنایع محیط زیستی و کسب بازار محصولات مربوط به آن عقب مانده، با سایر ممالک در این زمینه به رقابت سخت برخاسته است. آلمان، فرانسه یا انگلستان نیز برای تظاهر به اینکه تا سال ۲۰۳۰ حدنصاب‌های تعیین‌شده در میزان حفظ سهمیه‌های آلودگی خویش را تامین خواهند کرد- امری که هرگز ممکن نیست- به انتقال صنایع آلوده خویش به ممالک دیگر و به ویژه آفریقا برآمده‌اند تا هم از توبره بخورند و هم از آخور. امپریالیسم آلمان با طرح شعار "یاری به آفریقا" اهداف گوناگونی را دنبال می‌کند. وزارتخانه کمک به توسعه ممالک در حال رشد، بنیادی را تاسیس کرده است به نام (کشاورزی آفریقا و سرمایه‌گذاری تجاری) (aatif - Africa Agriculture and Trade Investment) که مدعی‌اند هدف آن سرمایه‌گذاری در کشاورزی آفریقا است. وزارتخانه مربوطه از مالیات مردم آلمان ۵۷ میلیون دلار برای این کار در نظر گرفته است و به سرمایه‌داران آلمان تضمین می‌دهد که به سرمایه‌گذاری بدون دردسر با تضمین سود حداکثر و نابودی محیط زیست و ایجاد فقر بی‌وقفه در آفریقا بپردازند و خیالشان از هر جهت راحت باشد. برنامه "مونیتور" در تاریخ ۲۰۱۷/۰۷/۰۶ در کانال یک "ARD" در آلمان از چهره یکی از این شرکت‌های نمونه آلمانی که ۱۰ میلیون دلار با حمایت دولت آلمان در کشور زامبیا سرمایه‌گذاری کرده است، پرده برمی‌دارد. این شرکت، زمینهای بزرگی را که قبلا به دهقانان کوچک این منطقه تعلق داشته است از چنگ آنها در

آورده و تا چشم کار می‌کند به تولید دانه‌های سویا، ذرت و گندم مشغول است. طبیعتا از همه سموم دفع آفات، که مصرف آن در اروپا به علت حفظ محیط زیست ممنوع است، برای تولید این محصولات استفاده می‌شود. این مزارع عظیم به صورت مکانیزه کار می‌کنند و به نیروی انسان کمتر نیاز دارند. همه دهقانان فقیری که زندگی خویش را در اثر این "توسعه اقتصادی" سرمایه‌داران خصوصی آلمانی از دست داده‌اند، در کنار مزارع منتظرند تا به آنها با دستمزد بخور و نمیری، کاری رجوع شود. اوایل تعداد کارگران در این مزارع ۲۵۸ نفر بوده است که حالا به ۲۰۸ نفر رسیده و این تعداد نیز روبه‌کاهش است. صاحبان این مزارع از آبهای زیرزمینی برای آبیاری استفاده می‌کنند. فواره‌های مکانیکی بدون وقفه در حال کارند و این در حالی است که مردم فقیر زامبیا و ساکنان سابق این ده و صاحبان واقعی این مزارع، ناچارند برای تامین آب آشامیدنی‌شان از یک تلمبه فرسوده در حالی که همه در صف انتظار ایستاده‌اند، استفاده کنند. دولت آلمان در کارزار تبلیغاتی خویش در نشست سران ۲۰ کشور که آنرا با صدای رسا "برنامه مارشال" برای آفریقا اعلام کرد، اهداف این سیاست "روی به آفریقا" را توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال، رفع فقر و ممانعت از مهاجرت معرفی کرد. این ادعاهای دروغ با واقعیت نمی‌خواند.

ممالک امپریالیستی و غارتگر که ماهیت خویش را قرنهاست نشان داده‌اند، بنگاههای خیره‌نیستند تا دلشان برای مردم جهان بسوزد و در پی یاری انسانی به آنها باشند. تجربه تاریخ چنین دست و دلبازی‌هایی را بیاد نمی‌آورد. امپریالیستها سرمایه‌گذاری می‌کنند تا سود حداکثر کسب کرده، ممالک دیگر را به زیر نفوذ خود درآورند. این کار را مدتهاست همه ممالک امپریالیستی اروپا و چین انجام می‌دهند. آنها زمینهای آفریقا را برای اینگونه تولیدات که به ضرر محیط زیست است و فقط برای مصرف در اروپا تولید می‌شود، میان خویش تقسیم کرده‌اند و این سرمایه‌گذاریهای خصوصی توسط همه ممالک امپریالیستی وجود دارد. وقتی از غاصبان این مزارع در مورد شرایط تولید و مصادره زمینهای دهقانان و فقیر کردن آنها پرسش کردند، پاسخ ساده‌ای داشتند: ما این زمینها را از دولت اجاره کرده‌ایم. این بهترین شیوه سلب مسئولیت است.

همین مورد که به عنوان مزرعه نمونه سرمایه‌گذاری آلمان در زامبیا معرفی می‌شود، نشان می‌دهد که این سرمایه‌گذاریها به نفع مردم آفریقا نیست، اشتغال ایجاد نمی‌کند، فقر را از میان نمی‌برد، محیط زیست را از آلودگی نمی‌زداید و در یک کلام استعمار غارتگرانه ممالک آفریقائی است. سرمایه‌گذاری خصوصی در این کشورها برای آرایش حدنصاب تعیین شده از سهمیه آلودگی این کشورهاست و هرگز نیز نمی‌تواند و نمی‌خواهد به برطرف کردن ریشه‌های فقر و مهاجرت پاسخ گوید. در تانزانیا با این سیاست تا کنون ۳۰ هزار دهقان را بی‌خانمان کرده‌اند و زمینهای آنها را در اختیار سرمایه‌گذاران خصوصی قرار داده‌اند. یک جنبه دیگر نیز رقابت با امپریالیسم چین است که از مدتها قبل پایگاههای مهمی در آفریقا به دست آورده و ... ادامه در صفحه ۴

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

شکست مفتضحانه سران...

توانسته بود از طریق دروازه لیبی- قیل از سرنگون کردن معمر قذافی- به درون آفریقا رخنه کند و بر مواد اولیه این کشورها با تکیه بر ایجاد صنایع زیربنائی در خدمت استخراج و انتقال این مواد دست یابد.

مشورت سران کشورها نشان داد که این مذاکرات با شکست کامل روبرو شده است و نمایشات اعتراضی مردم آلمان و اروپا در هامبورگ نشان داد که نمی‌شود مردم جهان را فریفت. تمام تلاش سیاستمداران و رسانه‌های دروغگوی امپریالیستی قادر نخواهند بود از این ورشکستگی یک پیروزی سیاسی سرهم بندی نمایند. این نشست کوچکترین دستاوردی در عرصه مبارزه با تروریسم، حفظ مستمر و تضمین کننده محیط زیست، مبارزه با فقر، کاهش تشنجات جهانی، یاری به آفریقا و... نداشت. شدت تضاد میان امپریالیستها و رقابت میان آنها، مقاومت خلقهای جهان در مقابل زورگویی و دورویی امپریالیسم مانع از آن است که بشود با آرایش این مجامع از جمعی غارتگر، فرستادگان نجات ساخت. تنها توافقی که آنها از آن به نام موفقیت یاد کرده و بر سر آن جشن می‌گیرند، توافق میان روسیه و آمریکا بر سر آتش بس در نزدیکی مرز اردن است تا اردن نیز به آشفتگی در منطقه دچار نشود. این تضمین دو قدرت بزرگ در حفظ آتش بس بیشتر منافع اسرائیل و اردن را در نظر دارد تا مردم سوریه را، در سوریه به حفظ آتش بس نیاز نیست، کسانی که مدعی مبارزه با تروریسم هستند باید متحد با تروریستها مبارزه کنند و نه اینکه تلاش کنند دولت بشار اسد را که دولت قانونی سوریه است با اسلحه‌ی تجزیه سوریه و یا ایجاد مراکز دسیسه و توطئه بنام پایگاههای "اپوزیسیون سوریه" تضعیف کنند. نشست سران ۲۰ کشور در هامبورگ بدون نتیجه و با فضاحت به پایان رسید. دهها هزار نفر نیروهای انقلابی و دموکرات و بشردوست بر ضد این غارتگران دست به تظاهرات زدند و ماشین انتظامی سی هزار نفره دولت آلمان همراه با نیروهای ویژه نتوانستند جلوی این مبارزه را بگیرند. خشم طبقه حاکمه آلمان قابل توصیف نیست. این اقدام ورشکسته تف سربالائی به چهره امپریالیسم آلمان است که مدعی رهبری اروپاست و با این رهبری جز ایجاد نفرت در اروپا به ضرر مردم آلمان دستاورد معنوی دیگری نداشته است.

انقلاب اکتبر و تاثیر...

دولت ایران در زمان اوج جنبش انقلابی مشروطه در ایران در سال ۱۹۰۶ به دور از چشم مردم ایران امضاء شد؛ بعد از پیروزی انقلاب مشروطه در ایران که نخستین انقلاب دموکراتیک در آسیا بود، مجلس ملی برای نخستین بار در ایران تشکیل شد و نمایندگان بعد از اطلاع از وجود چنین قرارداد ننگینی پاسخ تندی در رد آن منتشر کردند. امپریالیستها در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۷ با بی شرمی و به صورت طلبکارانه ایران را رسماً در جریان انعقاد این پیمان استعماری قرار داده بودند. این پیمان‌نامه در سن

پترزبورگ امضاء شده بود و در کنار سرنوشت ایران سرنوشت افغانستان و چند کشور دیگر را نیز تعیین می‌کرد.

با وجود اعتراضات ایران به این قرارداد، مواد آن عملاً توسط قوای نظامی و نفوذ امپریالیستهای روس و بریتانیا در عمل اجراء می‌شد و در زمان جنگ جهانی اول نیز به بهانه جنگ با عثمانی، مناطقی از ایران مدتی به اشغال روسیه و بریتانیا در آمده بود. روس‌ها تا زمان انقلاب اکتبر بر حفظ منافع به دست آمده‌شان از این قرارداد اصرار داشتند. انقلاب کبیر اکتبر به عمر این قرارداد استعماری پایان داد و استقلال ایران را به رسمیت شناخت. مردم میهن ما اقدام انقلابی پرولتاریای روسیه و بلشویکها را عامل مهمی در تامین استقلال ایران می‌دانند.

پس از انقلاب اکتبر، در ۲۷ دی ۱۲۹۶ خورشیدی (۱۹۱۸ میلادی) قرارداد سن پترزبورگ با بیانیه لنین عملاً ملغی شد. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در همان نخستین روزهای پیروزی، تاثیرات خود را بر ایران گذاشت. در ۱۴ آذر ۱۲۹۶ / پنج دسامبر ۱۹۱۷، یعنی تقریباً چهل روز پس از وقوع انقلاب و روی کار آمدن لنین، اعلامیه‌ی مهمی خطاب به مسلمانان مشرق زمین از طرف حکومت کمونیستی روسیه انتشار یافت. بخشی از این اعلامیه بسیار مفصل که مربوط به ایران است، به شرح زیر است:

"رفقا و برادران!!

در روسیه حوادث بزرگی در حال تکوین و انجام است. جنگ خونین کنونی (جنگ جهانی اول) که با نیت تجاوز به سرزمین‌های بیگانه و تقسیم خاک ملل دیگر شروع شده، به پایان خود نزدیک می‌شود. دنیای دیگری پا به عرصه‌ی وجود گذاشته است. این دنیا، دنیای رنجبران و ملل آزاد شده است. در پشت سر انقلابی که در روسیه انجام گرفته، حکومتی که مولود اراده‌ی کارگران و دهقانان روسی است، ایستاده است. ای مسلمانان مشرق زمین! ای ایرانیان! ای ترکان! ای اعراب! ای هندیان! روی سخن ما با شماست: با شما که زندگانی‌تان، جانتان، مالتان و ناموستان قرن‌ها زیر پای غارتگران اروپایی مانده و له شده بود.

ما رسماً اعلام می‌داریم که تمام پیمان‌ها و قراردادهای سری که تزار مخلوع روسیه با انگلستان و فرانسه امضا کرده بود و طبق مفاد آن قرار بود قسطنطنیه (استانبول) پس از خاتمه‌ی جنگ به روسیه داده شود و حکومت مخلوع «کرنسکی» نیز همان قراردادها را تأیید کرده بود، همگی باطل و کان لم یکن و از درجه‌ی اعتبار ساقطند.

جمهوری سوسیالیستی روسیه و حکومت که مجری اوامر آن‌هاست، یعنی شورای کمیسرهای خلق، هر دو با تصرف خاک دیگران

مخالفت، ما رسماً اعلام می‌داریم که قسطنطنیه مال ترک‌هاست و باید مثل سابق در تصرف مسلمانان باقی بماند.

ما رسماً اعلام می‌داریم که عهدنامه‌ها و توافقی‌های پیشین روسیه و انگلستان که ایران را میان دو کشور امپریالیست تقسیم کرده بود، باطل و کان لم یکن و از درجه‌ی اعتبار ساقطند (قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵).

ای ایرانیان!

به شما قول می‌دهیم که به محض پایان عملیات نظامی، سربازان ما خاک کشورتان را تخلیه کنند و شما مردم ایران حق داشته باشید که آزادانه درباه‌ی سرنوشت آتی خود تصمیم بگیرید...

رئیس شوراهای کمیسرهای خلق: لنین

کمیسی خلق برای امور ملیت‌ها: استالین"

این اعلامیه نخستین قدمی بود که دولت شوراهای درباری ایران برداشت و امیدهای فراوانی را در دل‌ها ایجاد کرد. دولت شوروی به منظور جلب دوستی ایران در این یادداشت، کلیه‌ی امتیازات مخالف حاکمیت و استقلال ایران را که در دوره‌ی تزارها به روسیه واگذار شده بود، لغو کرد و به ایرانیان وعده داد که این دولت در اخراج قوای انگلیس و عثمانی از خاک ایران به آنها کمک و از ادعاهای آن کشور درباری مطالبه‌ی خسارت زمان جنگ پشتیبانی خواهد نمود.

دولت شوروی در ادامه‌ی مواضع انقلابی‌اش و تبیین دیدگاه خود درباری ایران و مردم ایران، سیاست نرمش و ملاطفت خود را فزونی بخشید، به طوری که در تکمیل بیانیه‌های خود درباری قراردادهای روسیه‌ی تزاری با ایران، قرارداد ۱۹۰۷ را به صورت رسمی ملغی اعلام کرد.

در قسمتی از نامه‌ی رسمی دولت شوروی به ایران در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ مطابق ۲۴ دی ۱۲۹۶ به سفارت ایران در پترزبورگ اعلام داشت:

"معاهده‌ی ۱۹۰۷ نظر به این که بر علیه آزادی و استقلال ملت ایران بین دولتین روس و انگلیس بسته شده، به کلی ملغی و تمام معاهدات سابق و لاحق آن نیز از درجه‌ی اعتبار ساقط خواهد بود."

این اقدام یک جانبه روسیه سوسیالیستی دسیسه تقسیم استعماری ایران را میان امپریالیستها برهم زد و نیروی آزادیخواهان در ایران را تقویت نموده و به شدت به موقعیت امپریالیسم انگلستان صدمه زد. البته این امپریالیسم همراه با امپریالیسم آمریکا با دسیسه و کودتا تلاش کردند روح این معاهده استعماری را تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) حفظ کنند و سلطه خویش را بر ایران حاکم گردانند. ایران استقلال خویش را از جمله مدیون بلشویکهای شوروی می‌داند. بعد از الغاء این قرارداد استعماری (قرارداد سن پترزبورگ) و تامین استقلال ایران، دولت جوان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در چارچوب سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز میان دولت‌ها، پیشنهاد انعقاد یک قرارداد دوستی با ایران نمود که این سند (قرارداد دوستی ایران و ... ادامه در صفحه ۵)

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS



امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

انقلاب اکتبر و تاثیر...

شوروی (۱۹۲۱) تضمین کننده استقلال ایران در مقابل تجاوز خارجی به ایران بود. ایران در سایه حضور دولت سوسیالیستی شوروی و قرارداد دوستی با وی، موفق شد در شرایط مناسب جهانی در اوایل سال ۱۹۵۰ به ملی کردن صنایع نفت خویش بر ضد امپریالیسم انگلستان دست بزند. امپریالیستها از این اقدام ملی و ضد استعماری ایرانیان به شدت ناراضی بودند، بطوریکه با دسیسه‌های فراوان، رژیم حاکم ملی ایران یعنی حکومت دکتر محمد مصدق را که رهبری مبارزات مردم برای ملی کردن صنعت نفت را به عهده داشت، توسط سازمانهای جاسوسی بریتانیا و آمریکا و در تبتانی با یکدیگر سرنگون نموده، محمد رضا شاه را که در اثر مبارزه ضد استعماری مردم ایران به خارج فرار کرده بود و در رم در ایتالیا زندگی می‌کرد، مجدداً بر سر کار آوردند. فراموش نکنیم که ارتش امپریالیسم انگلستان قصد داشت برای اشغال آبادان نیروی نظامی به ایران پیاده کند. تنها نفس وجود قرارداد دوستی ایران و شوروی مورخ ۱۹۲۱ مانع از این اقدام تجاوزکارانه شد. از آن زمان با تقویت امپریالیسم آمریکا در ایران، رژیم پهلوی بیش از پیش وابسته به امپریالیسم گردید و شاه ایران به عنوان عامل امپریالیسم آمریکا در منطقه، هیچگاه به تعهدات خویش نسبت به این قرارداد دوستانه با اتحاد شوروی سوسیالیستی عمل نکرد و ایران را با کشاندن به عرصه همکاریهای نظامی و انعقاد پیمانهای نظامی (قرنطینه به دور شوروی سوسیالیستی) از جمله قرارداد نظامی سنتو CENTO با امپریالیستها، به بخش فرعی پیمان ناتو بدل کرد که وظیفه آن محاصره اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود. ایران در طی زمان با افزایش نفوذ امپریالیسم آمریکا در ایران به پایگاه این امپریالیسم و به ژاندارم منطقه بدل شد. آمریکا ایران را به مرکز جاسوسی بر ضد اتحاد جماهیر شوروی بدل نمود و بزرگترین دستگاه شنود را در شمال ایران تحت نظر کارشناسان آمریکایی-حتی زمانی که دیگر شوروی سوسیالیستی نبود- ایجاد کرد. حضور ۵۰ هزار مستشار نظامی آمریکایی در ایران ناقض بند ۵ قرارداد دوستی با اتحاد شوروی بود که ایران را به سکوتی برای تجاوز به شوروی بدل می‌کرد. مادر زیر به بخشی از بندهای این قرارداد اشاره می‌کنیم تا تائیدی بر سند دوستی میان مردم ایران و بلشویکهای شوروی گذارده باشیم. انقلاب کبیر اکتبر در صد سال پیش نه تنها دنیای جدیدی خلق کرد، بلکه از ریشه در سرنوشت مردم ایران نیز اثر گذاشت و کمر نظام فرتوت استعماری انگلستان را درهم شکست و آزادی خلقها را به ارمغان آورد. اینکه حتی امروز بورژوازی ایران اعم از ملی و ضد ملی این چنین ضد روسیه است نه ناشی از جنایات تزاریسم علیه ایران است بلکه از این است که روسیه سوسیالیستی شد و این خاری به چشم همه بورژواهای جهان بود. نفرت بورژوازی ایران علیه روسیه نفرت علیه امپریالیسم نیست نفرت علیه سوسیالیسم است. آنها می‌خواهند با مودیگری مرزهای میان تزاریسم، سوسیالیسم، سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم روس را بزداوند و جالب است که آنها هنوز هم امپریالیسم آمریکا را دوست مردم

ایران و عامل موثر "آزادی و دموکراسی" و مظهر "دنیای آزاد" در جهان جا می‌زنند. در متن "قرارداد دوستی دو جانبه ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۱۹۲۱" از جمله می‌آید:

"فصل اول"

دولت شوروی روسیه مطابق بیانیهای خود راجع به مبانی سیاست روسیه نسبت به ملت ایران مندرجه در مراسلات ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ و ۲۶ ژوئیه ۱۹۱۹ یک مرتبه دیگر رسماً اعلان می‌نماید که از سیاست جابرانه که دولت‌های مستعمراتی روسیه که به اراده کارگران و دهاقین این مملکت سرنگون شدند نسبت به ایران تعقیب می‌نمودند قطعاً صرف نظر می‌نماید. نظر به آنچه گفته شد و با اشتیاق به این که ملت ایران مستقل و سعادتمند شده و بتواند از آذانه در دارایی خود تصرفات لازمه را بنماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادهای را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تزییع می‌نمود ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان می‌نماید. (تکیه همه جا از حزب کار ایران-توفان).

فصل دوم

دولت شوروی روسیه از سیاست دولت‌های روسیه تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانه تامین استقلال ملل مزبور با سایر ممالک اروپا در باب مشرق معاهداتی منعقد می‌نمودند که بالانتهی منجر به استملاک آن می‌گردد اظهار تنفر می‌نماید، این سیاست جنایت کارانه را که نه تنها استقلال ممالک آسیا را منهدم می‌نمود بلکه ملل زنده شرق را طعمه حرص غارتگران اروپایی و تعدیات مرتب آنها قرار می‌داد دولت شوروی روسیه بدون هیچ شرطی نفی می‌نماید. نظر به آنچه گفته شد و مطابق اصول مذکوره در فصل اول و چهارم این معاهده دولت شوروی روسیه استنکاف خود را از مشارکت در هر نوع اقدامی که منجر به تضعیف و محفوظ نماندن سیدات ایران بشود اعلان نموده و کلیه معاهدات و قراردادهایی را که دولت سابق روسیه با ممالک ثالثی به ضرر ایران و راجع به آن منعقد نموده است ملغی و از درجه اعتبار ساقط می‌داند. (تکیه همه جا از حزب کار ایران-توفان).

فصل چهارم

با تصدیق اینکه هر یک از ملل حق دارد مقدرات سیاسی خود را بلامانع و آزادانه حل نماید هر یک از طرفین متعاهدین از مداخله در امور داخلی طرف مقابل صرف نظر کرده و جدا خودداری خواهد نمود.

فصل پنجم

طرفین معظمتین متعاهدین تقبل می‌نمایند که: (۱) از ترکیب و یا توقف تشکیلات و یا دستجات (گروپ‌ها) به هر اسم که نامیده شوند و یا اشخاص منفرد که مقصود تشکیلات و اشخاص مزبوره مبارزه با ایران و روسیه و همچنین با ممالک متحده با روسیه باشد در خاک خود ممانعت نمایند و همچنین از گرفتن افراد قشونی و یا تجهیزات نفرات برای صفوف قشون و یا قواء مسلحه تشکیلات مزبوره در خاک خود ممانعت نمایند. (۲) به کلیه ممالک و یا تشکیلات قطع نظر از اسم آن تشکیلات که مقصودشان مبارزه با متعاهد معظمت باشد نباید

اجازه داده شود که به خاک هر یک از طرفین معظمتین متعاهدین تمام آنچه را که ممکن است بر ضد متعاهد دیگر استعمال شود وارد نموده و یا عبور دهند. (۳) با تمام وسایلی که به آن دسترس باشد از توقف قشون و یا قواء مسلحه مملکت ثالث دیگری در صورتی که احتمال بزود توقف قواء مزبوره باعث تهدید سرحدات و یا منافع و یا امنیت متعاهد معظمت دیگر می‌شود باید در خاک خود و متحدین خود ممانعت نماید.

فصل ششم

طرفین معظمتین متعاهدین موافقت حاصل کردند که هر گاه ممالک ثالثی بخواهند به وسیله مداخله مسلحانه سیاست غاصبانه‌ای را در خاک ایران مجری دارند یا خاک ایران را پایگاه حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند و اگر ضمناً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحاد شوروی روسیه و متحدانش را تهدید کند و دولت ایران خودش نتواند این خطر را علیرغم درخواست بیکاره روسیه رفع نماید، دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را به خاک ایران وارد نماید تا آنکه برای دفاع از خود اقدام‌های لازم نظامی را به عمل آورد. دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از رفع خطر بلادرنگ قشون خود را از قلمرو ایران خارج نماید.

....

فصل هشتم

دولت شوروی روسیه انصراف قطعی خود را از سیاست اقتصادی که حکومت تزاری روسیه در شرق تعقیب می‌نمود و به دولت ایران نه از دیدگاه توسعه اقتصادی و ترقی ملت ایران، بلکه برای اسارت سیاسی ایران پول می‌داد اعلان می‌نماید. بنابراین دولت شوروی روسیه از هر نوع حقوق خود نسبت به قروضی که دولت تزاری به ایران داده است صرف نظر کرده و اینگونه استقراض‌ها را نسخ شده و غیرقابل تادیه می‌شمارد و همچنین دولت شوروی روسیه از تمام تقاضاهای راجع به انتفاع از عوائد مملکتی ایران که وثیقه استقراض‌های مذکوره بودند صرف نظر می‌نماید. (تکیه همه جا از حزب کار ایران-توفان). "...

نگاهی به متن این قرارداد نشان می‌دهد که بلشویکها عمیقاً بر ضد استعمار و امپریالیسم صمیمانه مبارزه می‌کردند و مانند سوسیال دموکراتها جریانهائی نبودند که در حرف سوسیالیست و در عمل امپریالیست باشند. این اقدامات انقلابی بلشویکها تمام باند سوسیال دموکراسی جهانی را بی اعتبار کرد.

از فردای انقلاب اکتبر جنبش کمونیستی در ایران رو به قدرت نهاد و امپریالیسم انگلستان مصمم شد که در ایران یک حکومت متمرکز، قدرتمند و سرکوبگر بر سر کار آورد که به مناسبات ملوک‌الطوایفی و ضعف قدرت مرکزی در ایران پایان داده و ایران را به سپری قدرتمند در مقابل کمونیسم در جنوب شوروی بدل کند. امپریالیسم انگلستان می‌هراسید ضعف قدرت مرکزی در ایران به افزایش نفوذ کمونیسم منجر گردد و به همین جهت سلسله پهلوی را با یاری دستیاران خویش که نوکران کهنه استعمار در ایران بودند بر سر کار آورد. روی کار آوردن رضا خان پدر محمد رضا شاه به عنوان مستبد و سرکوبگر بزرگ نتیجه این سیاست جدید ... ادامه در صفحه ۶

انقلاب اکتبر و تاثیر....

امپریالیسم انگلستان در ایران بود. پسر وی محمد رضا شاه به منزله دیکتاتور بعدی، در خدمت منافع امپریالیسم جهانی همان سیاست را در ایران تا انقلاب ۱۹۷۹ ادامه داد و بر ضد مصالح مردم ایران به امپریالیسم انگلستان و بعداً آمریکا خدمت کرد. در زمان دولت بازرگان که یکی از دولتهای ضد کمونیست ایران بود دکتر یزدی وزیر امور خارجه وی که دست-پرورده آمریکا و ضد کمونیست معروفی بود این پیمان دوستی را ملغی ساخت و به این ترتیب وقتی روسیه سوسیال امپریالیستی فروپاشید دست ایران به جایی نرسید تا حقوقی را که در دریای خزر توسط دولت بلشویکی به دست آورده بود از جمهوری‌های مستقل از فدراسیون روسیه طلب کند. این جمهوری‌ها هرگز خویش را وارثان تعهدات روسیه شوروی بر مبنای قرارداد یکطرفه ملغی شده از طرف ایران نمی‌دانستند. جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ایران در این زمینه سکوت مرگ اتخاذ کرده است.

تجلیل از مبارزات جنبش کمونیستی...

توده ایران موجی میلیونی و توده‌ای از مردم به میدان آمدند که با سیاست بطور کلی و حقوق دمکراتیک آشنا شدند. سیاست به زندگی مردم تبدیل شد و از چنگ رجال سیاسی بدر آمد. در این دوران بود که توده‌ها به نیروی خود و تاثیر فعالیت خویش پی بردند. سیاست از خانه‌های رجال سیاسی سنتی ایران به عرصه خیابانها و میدانها و کارخانه‌ها و ورزشگاهها کشیده شد. کارگران، دهقانان، زنان، جوانان و روشنفکران ایران با دنیای نوینی آشنا شدند که در اثر اختناق قرون گذشته به آن دسترسی نداشتند. جامعه ایران در اثر فعالیت‌های حزب توده ایران تکان خورد، تکانی آتش فشانی که نتایج این تکان تا به امروز که ما در اینجا گرد آمده‌ایم احساس می‌شود. نقش تاریخی و اجتماعی حزب توده ایران را باید در این متن و در این مسیر مورد ارزیابی علمی قرار داد و نه بر اساس صحبت‌های درگوشی و کینه توزی ضربه-خوردگان غنی و اطافهای فکری سازندگی افکار عمومی. حزب توده در اثر از جانگدشتگی اعضایش، فعالیت‌های روشنگرانه و انقلابی، فرهنگ و هنر ایران، ادبیات ایران، موسیقی ایران و.. را متحول ساخت. به شمه‌ای از این فعالیتها نظری افکنیم:

تشکیل شورای مرکزی اتحادیه کارگران ایران در اسفندماه ۱۳۲۰.
تشکیل نخستین سازمان جوان کشور (سازمان جوانان توده) در فروردین ماه ۱۳۲۲.
تشکیل نخستین اتحادیه دهقانی در کشور در خردادماه ۱۳۲۲.
تشکیل "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" در تیرماه ۱۳۲۲.
تشکیل شورای متحد مرکزی کارگران و زحمتکشان کشور در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۳.

تشکیل "جبهه آزادی" در تابستان ۱۳۲۳ با شرکت روزنامه‌نگاران و مدیران نشریات مرفی برای دفاع از آزادی افکار و بر ضد

خطر بازگشت استبداد در ایران.

مبارزه برای به رسمیت شناختن حقوق کارگران و تصویب قانون کار.

مبارزه برای اصلاحات ارضی به نفع دهقانان.

مبارزه برای کسب حق انتخابات برای زنان ایران با شعار زنان باید در سیاست دخالت کنند.

حزب توده ایران صدها نشریه در عرصه‌های سیاسی، هنری، طنز، علمی، تاریخی، فلسفی و... منتشر کرد.

در این دوران بزرگترین جنبشهای توده‌ای به رهبری حزب توده ایران به وقوع پیوست و مردم با دنیای مدرن و متمدن آشنا شدند. لگدی که حزب توده ایران به رژیم سلطنت زد سرانجام به نابودی دودمان پهلوی در ایران منجر شد.

حزب توده ایران تنها تشکلی در ایران بود که از حقوق زحمتکشان دفاع می‌کرد، ماهیت امپریالیسم بریتانیا و آمریکا را به مردم ایران علیرغم خوشبینی بورژوازی ملی ایران نسبت به آنها شناساند.

حزب توده ایران نخستین تشکلی بود که بر ضد شرکت استعماری نفت انگلیس و ایران به مبارزه برخاست و خواهان اخراج آنها از ایران شد. بسیاری از کارگران خوزستان برای قطع دست امپریالیسم بریتانیا از ایران جان دادند. این شرکت نفت که بر اساس قرارداد استعماری داری در ایران بوجود آمده بود تا آن روز مورد انتقاد هیچکدام از سیاستمداران ملی ایران نبود و هیچکدام از آنها بر ضد این شرکت استعماری مبارزه‌ای نکرده بودند و برای آن اهمیتی قابل نبودند.

حزب توده ایران مردم ایران را با مفاهیم و مقولاتی نظیر امپریالیسم، سوسیالیسم، انترناسیونالیسم پرولتری، حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، حزبیت، جبهه واحد، دموکراسی، مبارزه ضد فاشیستی و... آشنا ساخت و سطح آگاهی آنان را علیرغم دشمنی طبقات حاکمه ایران افزایش داد. روزنامه خوانی و کتابخوانی، رفتن به تئاتر در میان مردم رایج شد. جامعه سیاسی شد و به حرکت درآمد.

جنبش سواد آموزی و استقرار کلاسهای اکابر از دستاوردهای کمونیستهای ایران از جمله حزب توده ایران است. حزب توده ایران کارگران، جوانان، زنان را در ابعاد وسیع به مبارزه اجتماعی کشاند و مارکسیسم لنینیسم را در ایران به نیروی مادی بدل کرد. نگارش تاریخ ایران بدون نقش تاریخی حزب توده ایران امکانپذیر نیست. ولی شما هرگز در قرأت تاریخ ایران که با دست طبقات حاکمه نوشته شده است به نقش تاریخی حزب توده ایران برخورد نمی‌کنید و طوری جلوه داده می‌شود که گویا این سکوت کاملاً بدیهی است.

ولی متأسفانه این حزب کمونیستی و انقلابی در مهاجرت به حلقوم رویونیسم در غلطید و حیثیت خویش را برباد داد. همدستی این حزب با رژیم جمهوری اسلامی در خدمت مطامع شوروی لکه ننگی در تاریخ این حزب باقی گذارد که تا به امروز نیز سعی می‌کنند با تئوری‌سازی و لاپوشانی حقایق آنرا به فراموشخانه تاریخ بسپارند.

سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

بعد از پذیرش نظریات رویونیستی خروشچف

از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران و تأیید دروغهای خروشچف در مورد استالین، و پس از اینکه کمیته مرکزی حزب توده تلاش کرد به صورت حزب قانونی اعلیحضرت در ایران در آید و از سرنگونی رژیم پهلوی دست کشید. این حزب از مارکسیسم لنینیسم و از تمام سنتهای انقلابی جنبش کمونیستی ایران. از سنن انقلابی سوسیال دموکراسی انقلابی ایران، حزب کمونیست ایران، تاثیرات عمیق گروه ارانی در رشد جنبش کمونیستی ایران دست کشید. در پلنوم یازدهم حزب توده ایران در ۳۰ دیماه ۱۳۴۳ این انشعاب صورت عملی پیدا کرد و کمیته مرکزی حزب توده به دنباله‌روی از شوروی رویونیستی به تمام گذشته انقلابی خویش خط بطلان کشید. از این تاریخ ما با دو دوره، دوره کمونیستی و انقلابی و دوره ضد کمونیستی و ارتجاعی در تاریخ حزب توده ایران روبرو هستیم. ماهیت این حزب با انشعاب از جنبش کمونیستی و دست پروردگی از شوروی خروشچفی به یک نیروی ضد انقلابی بدل شد که سیر رویدادها صحت پیشگوئی‌های سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان در مورد این حزب و سرنوشت شوروی و سرنوشت رویونیسم را ثابت کرد. رهبری مبارزه جبهه مارکسیستی لنینیستی به عهده رفقا قاسمی، فروتن و سغائی بود. رفقا قاسمی و فروتن بعد از انشعاب رویونیستها، سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان را در ۲۵ تیر ۱۳۴۶ (۱۶ ژوئیه ۱۹۶۷ میلادی) بنیانگذاری کردند و پرچم مبارزه بر ضد رویونیسم و کاستریسم را که به بهانه مبارزه علیه "اپورتونیزم تاریخی حزب توده ایران" از مبارزه عمده و روز ضد رویونیستی طفره می‌رفت، به کف گرفتند و نسلی کمونیست بر اساس دانش علمی مارکسیسم لنینیسم تربیت نمودند. نشریه نخست توفان کمونیستی یکماه بعد در مرداد ماه ۱۳۴۶ منتشر شد. امسال ۵۰ سال از این تاریخ پرافتخار می‌گذرد. رفقای بنیانگذار توفان در میان ما نیستند، ولی تاثیری که آنها در جنبش کمونیستی ایران گذارند، علیرغم دسیسه‌های رویونیستها و جاسوسان پنهان، آشکار آنها، علیرغم خرابکاری کاستریستها، گواریستها و ماریگلائیستها (چریکهای شهری در آمریکای لاتین-توفان)، تئوریهای ضد انقلابی "سه دنیا" و نافیان امپریالیسم و مدافعان اولترا امپریالیسم و همه دشمنان لنینیسم، بالنده و سربلند به مبارزه ضدامپریالیستی، دموکراتیک و مارکسیستی لنینیستی خود برای استقرار سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا در ایران و تقویت انترناسیونالیسم پرولتری مبارزه می‌کند. ما امروز شاهد فروپاشی شوروی و دنیای رویونیسم و همه تفکرات انحرافی انقلابی-نمائی خرده بورژوازی هستیم. توفان در امروز از فراز و نشیبهای فراوان عبور کرده و با آموزش و کسب تجربه مسئولانه از مبارزه و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت مردم ایران و جنبش کارگری هر روز بیشتر در جهت وحدت و همکاری که شرط وحدت در جنبش کارگری و مبارزه با تفرقه آن است پیشرفته است. حزب کار ایران (توفان) در سال ۲۰۱۷ در ۵۰ سالگی تأسیس سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان محصول این تاریخ و این مبارزه است. تنها... ادامه در صفحه ۷

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

تجلیل از مبارزات جنبش کمونیستی...

حزب ماست که ادامه دهنده و وارث سنتهای انقلابی جنبش کمونیستی ایران است. میراث این گذشته عبارت است از: جنبش سوسیال دموکراسی انقلابی در ایران، حزب کمونیست ایران، فعالیت گروه ۵۳ نفر و دوره نخست تاریخی فعالیت کمونیستی حزب توده ایران تا سقوطش به اغوش نیکیتا خروشچف.

حزب کار ایران (توفان) حزب تراز نوین طبقه کارگر ایران است و با پیگیری و مبارزه سرسختانه با مدعیان دروغین کمونیست که همه آنها دشمنان دیکتاتوری پرولتاریا و حزب لنینی طبقه کارگر هستند، مبارزه می‌کند. پرچم ما در این مبارزه شخصیت تاریخی رفیق استالین خواهد بود که به صورت مرز روشن میان رویزیونیستها، ضد کمونیستها و مارکسیست لنینیستها نمایان است. استالین پرچم است و وی پرچم ماست.

را در انقلاب مشروطیت و تاسیس حزب کمونیست ایران، جنبش جنگل و تأثیرات این مبارزات بر ادبیات و فرهنگ ایران را نشان می‌داد، نخست به صورت شفاهی به علت ضیق وقت بیان کرد و بخش مربوط به مبارزات انقلابی و کمونیستی حزب توده ایران در دوران نخست فعالیت انقلابی این حزب و سپس انشعاب آنها از کمونیسم و سرنگونی آنها به دامان رویزیونیسم و برافراشتن پرچم "احیاء حزب طبقه کارگر ایران" و مبارزه با رویزیونیسم خروشچفی توسط رهبران واقعی حزب توده ایران رفقا احمد قاسمی و غلامحسین فروتن و رفیق عباس سغانی به صورت کتبی قرائت گردید. متن کامل سخنرانی به صورت جداگانه منتشر خواهد شد. ... ادامه دارد

به توفان در تلگرام خوش آمدید

به این ترتیب بخش نخست برنامه که تجلیل از صد سالگی انقلاب اکتبر بود به پایان رسید و بعد از اعلام تنفس و صرف شام بخش دوم برنامه که تجلیل از جنبش کمونیستی ایران تا به امروز بود آغاز گردید.

مجری برنامه اعلام داشت:

ما امسال تاریخ بیش از صد سال جنبش سوسیال دموکراتیک و کمونیستی ایران و ۵۰ سال جنبش ضد رویزیونیستی ایران را جشن می‌گیریم. سخنران بعدی به طور بسیار مختصر شمه‌ای از این مبارزات و تاریخچه آنرا به سمع حضار محترم می‌رساند.

سپس سخنران بعدی به علت حجم متراکم موضوعات که باید مبارزات سوسیال دموکراسی در ایران، حزب عدالت، مبارزات سازمان همت در قفقاز، تأثیرات این مبارزات

صدسال انقلاب اکتبر...

اسکندر و تار و ضرب هنرمندان دیگری، گوشه‌هایی از هنر مردمی را از بدو انقلاب مشروطیت تا به امروز در دو بخش به سمع حضار رساند به‌طوری‌که آنها همه سالن را با خود همراه ساخته بودند. این دو برنامه هنری موسیقی گشت و گذاری در عرصه‌های گوناگون مبارزات مردم ایران تا به امروز بود. مبارزه‌ای که تا نابودی استبداد، استعمار و استثمار ادامه دارد.

حال نوبت نمایش فیلم انقلاب کبیر اکتبر فرا

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۳۳ مردادماه ۱۳۹۶ منتشر شد، آنرا در تارنمای توفان مطالعه**نمائید**

پنجاهمین سالگرد پایه گذاری تشکیلات توفان بر طبقه کارگر و تمامی کمونیستها و انقلابیون ایران مبارک باد!
پیام تسلیت حزب کار ایران (توفان) به مناسبت درگذشت رفیق مهپاره آهنی- گزارش مختصری از مراسم با شکوه سوگواری

برای رفیق مهپاره آهنی در آمستردام

به مناسبت درگذشت مریم میرزاخانی ریاضی دان برجسته ایران و جهان

حسین فریدون و وثیقه پنجاه میلیاردی- سیاست‌های دخالت‌جویانه و جنگ‌طلبانه امپریالیسم آمریکا و همپالگانش بر ضد مردم ایران محکوم به شکست‌اند

در تجلیل از صد سالگی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر. گزارشی از همایش مارکسیست- لنینیست‌های اروپایی در شهر توپینگن در آلمان فدرال- گزارش کوتاهی از مراسم بزرگداشت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر توسط رفیق حاضری در همایش م-لامهای اروپا- ده روزی که دنیا را تکان داد و سه روزی که ما درسهای گرانبهائی از آن آموختیم

مبارزه متحد! نه با نفی قاطعیت طبقاتی ما. درحاشیه انتخابات فرانسه

حملات وحشیانه پلیس به هزاران تظاهرکننده در نشست گروه (G 20)

گشت و گذاری در فیسبوک و شبکه تلگرام. پاسخ به چند پرسش

توفان الکترونیکی شماره ۱۳۳ مرداد ماه ۱۳۹۶ اوت ۲۰۱۷

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

صد سال انقلاب کبیر اکتبر، ۵۰ سال "توفان"

تجلیل از انقلاب اکتبر و مبارزات جنبش کمونیستی و ضد رویزیونیستی ایران (۲)

برگزاری موفق مراسم تجلیل از صد سالگی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و تجلیل از مبارزات جنبش کمونیستی و ضد رویزیونیستی در ایران، از بدو پیدایش جنبش سوسیال دموکراسی، حزب کمونیست ایران، گروه ۵۳ نفر، حزب توده ایران، سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و حزب کار ایران (توفان)

در ادامه گزارش مراسم تجلیل می‌خوانیم:

و آنگاه نخستین سخنران جشن متنی در تجلیل از دستاوردهای انقلاب اکتبر قرائت کرد که بطور جداگانه به چاپ می‌رسد. وی تحت عنوان: "رفقای عزیز! ما امروز به مناسبت صد سالگی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر یعنی "همان ده روزی که دنیا را تکان داد" و تجلیل از میراث جنبش کمونیستی ایران گرد آمده ایم و آن را جشن می‌گیریم" آغاز به سخن کرد و بیان داشت:

"صد سال پیش لنین براساس تجزیه و تحلیل علمی تکامل اجتماعی روسیه، براساسی تجزیه و تحلیل علمی اوضاع بین‌المللی، به‌این نتیجه رسید که یگانه راه برون شدن از اوضاع بحرانی سرمایه‌داری امپریالیستی، جنگ و خانه‌خرابی و فقر و گرسنگی، انقلاب و پیروزی سوسیالیسم در روسیه است. این استنتاج برای بسیاری از مردان پر مدعای عالم آن زمان کاملاً غیرمنتظره بود. پلخانف که یکی از برجستگان علم بود در آن موقع لنین را تحقیر می‌کرد و می‌گفت که لنین "هذیان می‌گوید". دیگر مردان "علم" که اشتهاشان کمتر نبود اظهار می‌کردند که "لنین عقلش کم شده است" و باید او را هر چه ممکن است از سیاست دور ساخت. آن موقع انواع و اقسام مردان "علم" علیه لنین که او را یک شخص مخرب علم می‌دانستند زوزه راه انداخته بودند. اما لنین هراسی نداشت از اینکه برخلاف جریان آب شنا کند و با کهنه پرستی به مبارزه برخیزد. و لنین پیروز شد..."



مجری در آستانه برنامه هنری سیما و اسکندر بیان داشت: در هر دوره مبارزات مردم چه در ایران و چه در جهان ما با هنر مردمی، با موسیقی مردمی روبرو هستیم که هم ملهم از مبارزات مردم است و هم بر مبارزات مردم تأثیر می‌گذارد وظیفه ماست که این هنر مردمی را در مقابل هنر طبقات حاکمه که هنر شستشوی مغزی و تجلیل از منش فردی و تبلیغاتی است تقویت کنیم. هنرمندان مردمی سیما و اسکندر نمونه‌های زیبایی از این هنر مردمی را به ما عرضه می‌کنند.

سپس سیما با صدای رسا، پرتین و زیبای خود با همراهی ویلن... ادامه در صفحه ۷

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 209 Aug. 2017

تجلیل از مبارزات جنبش کمونیستی ایران و ۵۰ سال مبارزه ضد رویزیونیستی (پایان)

سخنرانی مختصری است که به مناسبت:

تجلیل از مبارزات جنبش کمونیستی و ضد رویزیونیستی در ایران، از بدو پیدایش جنبش سوسیال دموکراسی، حزب کمونیست ایران، گروه ۵۳ نفر، حزب توده ایران، سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و حزب کار ایران (توفان) ایراد شده است. توفان بخش پایانی این سخنرانی را برای اطلاع خوانندگان توفان منتشر می‌کند.

حزب توده ایران

حزب توده ایران در ۱۰ مهر ۱۳۲۰ بعد از تبعید رضاخان و تضعیف ارتجاع حاکم در ایران و مبتنی بر موفقیت‌های دولت سوسیالیستی شوروی در جنگ جهانی دوم و نابودی فاشیسم هیتلری، تاسیس شد. تاسیس این حزب با تکیه بر سنت‌های سوسیال دموکراسی انقلابی، حزب کمونیست ایران، گروه ۵۳ نفر، گام بزرگی در بیداری ایرانیان و برخاستن مردم از خواب قرون وسطائی بود. در اثر فعالیت حزب... ادامه در صفحه ۶

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت‌ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany